

نگاهی به زندگی بابک نیک طلب شاعر کودک و نوجوان

داستان شاعر شدن آقای شاعر



وقتی صحبت‌هایش به پایان می‌رسد، از خودم می‌پرسم پس ماجرا همانی است که همه می‌گویند: «استعداد و علاقه‌ات را بشناس و برایش تلاش و تمرین کن.» البته او این‌قدر مستقیم حرف نمی‌زند. او داستان زندگی‌اش را تعریف می‌کند. او می‌گوید که چطور شاعر شد. چه شد که ما شعرهایش را در مجله‌ها و کتاب‌ها خواندیم و نامش را همیشه شنیده‌ایم. اما آنچه من می‌شنوم این است که باید قدم‌به‌قدم جلو رفت؛ آهسته و پیوسته. بعد با خودم زمزمه می‌کنم: «شاعر شدن کار راحتی نیست.»

«با فرره‌ها به شادی باد بگرد»، «پیشواز روشنی»، «نردبانی از ستاره»، و «تا خیابان خوش‌بخت» نام بعضی از کتاب‌های بابک نیک‌طلب برای نوجوان‌هاست.

او داور کتاب سال جمهوری اسلامی، کتاب سال دفاع مقدس، جشنواره بین‌المللی شعر فجر در بخش شعر کودک و نوجوان، جشنواره کتاب سال کودک و نوجوان کانون پرورش فکری و ... بوده است.

نیک‌طلب در پنجمین جشنواره شعر فجر به‌عنوان نفر اول بخش شعر کودک و نوجوان معرفی شد و «سرو زرین» و جوایز این جشنواره را دریافت کرد.

کودکی

از دوره ابتدایی که عبور کردم، حس عجیبی داشتم. می‌خواستم بهتر از پیش ابراز وجود کنم؛ اینکه خط بهتری داشته باشم، معنی شعرها و ترانه‌ها را بفهمم، نقاشی کنم، از موسیقی سر در بیاورم و ... حالا چرا دنبال علوم و فنون، ریاضیات و ... نرفتم، برایم پرسشی است که جوابش را نمی‌دانم. به هر حال روزهای بلند تابستان به خواندن و نوشتن شعر و سرود و نثرهای ادبی برای دل خودم پرداختم.

خوش‌بختانه خانه ما سرشار از کتاب‌های ادبی و هنری از شاعران و نویسندگان کهن و نو بود. پدرم شاعر و عاشق ادبیات بود و مادرم هم نقاشی و هنرهای دیگر را می‌شناخت. کم‌کم چیزهایی از خودم می‌نوشتم که کم‌وبیش وزن و قافیه و موسیقی و ... داشتند و از کسی هم نبودند.

مدت‌ها این نوشته‌ها را به کسی نشان نمی‌دادم. تا نمی‌دانم چطور روزی آن‌ها را برای پدرم بردم و او هم چند اشکال بر کارها گرفت. زمانی گذشت و دیگر فقط برای خودم می‌نوشتم تا اینکه در مسابقه‌ای که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گذاشته بود، شرکت کردم و اتفاقاً پس از چند ماه در تلویزیون اسامی برندگان را اعلام کردند که من هم انتخاب شده بودم. به‌جز جوایز کتاب مسابقه که یک جلد قرآن مجید، دیوان حافظ، مثنوی مولانا، لغت‌نامه یک‌جلدی عمید و ... بود، عضو مکتب‌های مرکز آفرینش‌های ادبی کانون هم شدم. از همان زمان هم با استادانم جعفر ابراهیمی، اسدالله شعبانی و بیوک ملکی آشنایی و دوستی پیدا کردم.

آلما توکل
عکاس: اعظم لاریجانی

نوجوانی

وارد دبیرستان شده بودم و کم‌وبیش سراغ این استادان عزیزم به کانون می‌رفتم و در شب‌شعرها و اردوها شرکت می‌کردم و خوش‌حال بودم. خانه بیوک ملکی اتفاقاً نزدیک ما بود و مرا با مهر پذیرا می‌شد. خدا پدر ایشان را که به‌تازگی درگذشت و خاطرات خوبی از ایشان دارم، بیامرزد. با آقای ملکی از سال ۱۳۶۳ به جلسات شعر حوزه هنری راه یافتیم و با شاعران مطرح، زنده‌یادان قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی و ... آشنایی پیدا کردم.

جوانی

سال ۱۳۶۴ دوره دبیرستان به پایان رسید و من به «مرکز تربیت‌معلم» رفتم و دبیر شدم. رفتن به مدرسه و ارتباط با بچه‌ها کارهایم را بیشتر به سمت مخاطبان نوجوان کشاند و در این شیوه از آثارم استقبال شد. در سال ۱۳۷۱ اولین کتابم «پیشواز روشنی» که مجموعه شعر نوجوان بود، به چاپ رسید. از آن زمان تقریباً با بسیاری از نشریات کودک و نوجوان همکاری کرده‌ام؛ چه با ارائه شعر، چه با نقد کتاب‌های تازه و ...

از سال ۱۳۷۲ شعرم در کتاب درسی پایه چهارم هم آمد و تصمیم گرفتم هر چه می‌توانم برای فرزندان این سرزمین انجام دهم و اغلب شعرهایم را برای آنان به‌صورت جدی و تخصصی بگویم.

چند سالی که تدریس کردم، کارشناس سرود و شعر وزارت آموزش‌وپرورش شدم که خیلی بیشتر مرا به ادبیات کودک نزدیک می‌کرد. در نهایت هم به انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به‌عنوان کارشناس ادبی منتقل شدم. اگرچه عبور از این سال‌ها با فراز و نشیب‌هایی همراه بود و برای هر حرکت و کوششی موانع و مشکلاتی پیش می‌آمد، ولی چون انگیزه و عشق سرودن و فعالیت در این زمینه را داشتم، همه تجربه‌ها را پشت سر گذاشتم.

بابک نیک‌طالب
متولد: نهم تیر ۱۳۴۶
در تهران



بیشتر بخوانیم

ماهی رود توام

نام مجموعه: شعر شباب

مؤلف: محمود پور وهاب

سال چاپ: ۱۳۹۹

ناشر: نشر گویا



محور ۲۷ شعر این کتاب، عاطفه است؛ اما شاعر می‌کوشد میان مخاطب و طبیعت پیوند برقرار می‌کند. شعر او با کمک

به غنای عاطفه و اندیشه نوجوانان، نگاه مخاطب را تلطیف می‌کند. او درباره صلح می‌گوید: «صلح هر کجا پا گذاشت، جای کینه، جای بمب، یک درخت کاشت...». در شعر دیگری، درباره گل می‌گوید: «گل چیست؟ بوی باغچه یا رنگ و روی باغچه. من توی این فکرم که هست گل آبروی باغچه...».

